

## فهرست مطالب

1	مقدمه
3	فرضیه‌ها و استدلال‌های پژوهشی
4	اهداف و روش پایان نامه
6	بخش اول: بررسی پیشینه ادبیات و سابقه موضوع
6	فصل اول: پیشینه و بررسی ادبیات موضوع
6	مبحث اول: پیشینه
6	گفتار اول سابقه ترور در سطح فراملی
6	الف) قبل از انقلاب کبیر فرانسه
8	ب) پس از انقلاب کبیر فرانسه
13	گفتار دوم: سابقه ترور و تروریسم در ایران
20	مبحث دوم: واژه شناسی و مفهوم ترور
20	گفتار اول: واژه شناسی
23	فصل دوم: مفهوم و تعریف ترور و تروریسم
26	مبحث اول: مفهوم و تعریف ترور و تروریسم در حقوق بین المللی
27	گفتار اول: تروریسم از نظر حقوق بین الملل سنتی
27	گفتار دوم: تروریسم از نظر حقوق بین الملل جدید
29	مبحث دوم: تروریسم در حقوق و قوانین برخی کشورها
29	گفتار اول: تروریسم از دیدگاه حقوقی برخی کشورها
29	الف: تروریسم در حقوق ایالات متحده امریکا
30	ب: تروریسم در حقوق جزای آلمان و انگلستان
29	گفتار دوم: تعریف تروریسم از دیدگاه حقوقی ایران
31	گفتار سوم: ارایه تعریفی از تروریست
33	فصل سوم: انواع تروریسم
33	مبحث اول: تقسیم بر معیار عامل اجرایی
33	گفتار اول: تروریسم آنارشستی

- 35..... گفتار دوم: تروریسم اجتماعی.....
- 33..... گفتار سوم: تروریسم ملت گر ایانه یا قومی.....
- 35..... گفتار چهارم: تروریسم ملی گرا.....
- 36..... گفتار پنجم: نارکو تروریسم.....
- 37..... گفتار ششم: تروریسم شورشی.....
- 37..... الف: انقلابی.....
- 38..... ب: سکولار.....
- 38..... ج: ارتجاعی.....
- 39..... گفتار ششم: تروریسم سیاسی.....
- 40..... گفتار هفتم: ترور مقدس یابنیدگرا.....
- 41..... مبحث دوم: تقسیم از لحاظ ماهوی.....
- 41..... گفتار اول: ترور از پائین.....
- 42..... گفتار دوم: ترور از بالا (تروریسم تحت حمایت حکومت ها و تروریسم دولتی.....
- 45..... مبحث سوم: تقسیم از لحاظ تاریخی.....
- 45..... گفتار اول: تروریسم اسطوره‌ای.....
- 46..... گفتار دوم: تروریسم در عصر جدید.....
- 48..... الف: سایر تروریسم.....
- 51..... ب: تروریسم تبلیغاتی.....
- 53..... ج: تروریسم اطلاعاتی.....
- 55..... مبحث چهارم: تقسیم از لحاظ قلمرو عملیاتی.....
- 55..... گفتار اول: تروریسم داخلی یا محلی.....
- 55..... گفتار دوم: تروریسم بین المللی.....
- 57..... مبحث پنجم: تقسیم از لحاظ انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی.....
- 57..... گفتار اول: مقاومت‌های آزادی‌بخش.....
- 58..... الف: مقاومت‌های آزادی‌بخش و تروریسم.....

- 60.....بنداول:اختلافات در خصوص مبارزات آزادیبخش از تروریسم.
- 62.....بنددوم: مرز دفاع مشروع و تروریسم بین الملل.
- 67.....گفتار دوم: تروریسم سلطه طلب یاسازماتی.
- 69.....فصل چهارم: تحولات تروریسم.
- 70.....مبحث اول: تروریسم مدرن و تروریسم سنتی.
- 71.....مبحث دوم: تکامل تروریسم از عنصری تاکتیکی به استراتژی نظامی.
- 74.....مبحث سوم: گرایش به تسلیحات مخرب.
- 76.....بخش دوم: تروریسم شناسی در آیین آراوقوانین ایران.
- 78.....فصل اول: نحوه تشخیص جرایم تروریستی.
- 78.....گفتار اول: تروریسم در فقه اسلامی.
- 80.....گفتار دوم: مصداق شناسی و جرم شناسی تروریستی.
- 81.....فصل دوم: تروریسم در حقوق ایرانی.
- 81.....مبحث اول: تفکیک تروریسم از جرائم عمومی.
- 84.....مبحث دوم: تروریسم به عنوان جرمی علیه امنیت و آسایش عمومی.
- 85.....مبحث سوم: وضعیت تروریسم در حقوق جزای اختصاصی.
- 85.....گفتار اول: محاربه.
- 88.....گفتار دوم: مصادیق مرتبط با تروریسم حقوق جزای اختصاصی.
- 88.....الف: عملیات تخریبی.
- 88.....بنداول: تخریب اموال دولتی.
- 88.....بنددوم: تخریب اموال خصوصی.
- 89.....بندسوم: خرابکاری در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور.
- 90.....بندچهارم: اخلال در صنایع نفت ایران.
- 91.....بندپنجم: تخریب در وسایل راه آهن.
- 91.....ب: اخلال در امنیت پرواز هواپیما.
- 92.....ج: سوء قصد به جان مقامات سیاسی.
- 92.....بند اول: سوء قصد به جان مقامات سیاسی داخلی.
- 94.....بند دوم: سوء قصد به جان مقامات سیاسی خارجی.

- 95.....مبحث چهارم: تفکیک تروریسم از جرم سیاسی.....
- 96.....فصل چهارم: جایگاه حقوقی ایران در کنوانسیونهای بین المللی مربوط به تروریسم.....
- 97.....فصل پنجم: مواضع اسلام و حقوق اسلامی در تقابل با ترور.....
- 98.....مبحث اول: صلح و احترام به حقوق بشر با مبنای شریعت اسلامی.....
- 98.....گفتار اول: اسلام و حقوق بشر.....
- 99.....گفتار دوم: اسلام و صلح و امنیت.....
- 100.....مبحث دوم: دیدگاه اسلام به تروریسم: تروریسم مخرب صلح و امنیت.....
- 100.....گفتار اول: تروریسم و جهاد در اسلام.....
- 103.....گفتار دوم: ممنوعیات اسلام برای مهار تروریسم.....
- 105.....نتیجه گیری.....
- 112.....منابع و مآخذ.....
- 117.....ضمیمه: قطعنامه ها، کنوانسیون ها و بیانیه های سازمان ملل متحد و سازمان های منطقه ای شورای امنیت.....

## مقدمه

از منظر تاریخی، اولین دوره ترور و تروریسم را میتوان از چندین هزار سال پیش تا قبل از ظهور اسلام نسبت داد. در این دوره ترور بیشتر فردی است و حاکمان برای رسیدن به منافع خود و یا افراد و گروهها برای مقاصد خاص دست به ترور می‌زدند. دوره دوم را میتوان از حدود سده‌های پنجم، ششم و هفتم هجری دانست. ظهور گروههایی نظیر حشاشیون در ایران و یا گروههای مشابه در مصر و شام در این دوره دیده میشود. در این دوره، برای اولین بار به وجود ایدئولوژی و آرمانگرایی (که از مشخصه‌های بارز تروریسم است) برمیخوریم و دیگر اینکه ترورها از حالت فردی خارج شده و گروههای تروریستی با اعضای فراوان ایجاد میشوند.

برای دوره سوم میتوان به اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در اروپا و بخصوص ایتالیا تحت اشغال فرانسه و اتریش اشاره کرد. ظهور گروههای متعدد استقلال طلب و ناسیونالیست که بارزترین آنها گروه ایتالیای جوان در شمال ایتالیا بود را میتوان بارزترین خصیصه این دوره برشمرد. ایدئولوژی آرمانخواهانه در این دوره با شیوه‌های مدرن ترور و مواد جدید تخریبی همراه است، ارتباطات شیوه جدیدی دارد و انسجام نسبی بر عملکرد آنان حاکم است. دوره چهارم ترور را میتوان از دهه ۱۹۹۰ بخصوص بعد از ۱۱ سپتامبر مشاهده کرد که ایدئولوژی با تکنولوژی و شیوه‌های جدید تبلیغ و اطلاع رسانی همراه شد. مهمترین خصیصه ترور در این دوره، این است که برخلاف دوره‌های قبل که تروریسم دارای مرز بود و معمولاً به مرزهای جغرافیایی کشورهای ختم میشد، ادعای حضور منطقه‌ای و حتی حرکت جهانی دارد.

در ایران متأسفانه کتاب و منبع کاملی در مورد تروریسم منتشر و یا نوشته نشده و تمامی کار انجام شده در حد ترجمه و ارائه تعریفهای ساده و مقطعی است. تنها کتاب قابل اشاره در این زمینه کتاب تروریسم، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب، ۱۳۸۳،

نشر((نی)) است که در آن فقط به تعریف ترورسیم و ارائه دیدگاههای حقوقی پرداخته و به دلایل ایجاد ترور و ماهیت آن اشاره-

ای نمی کند.

## الف- سوال و فرضیه‌های پژوهش -

ما در این مجال برانیم تا به پاسخگویی به این سوالات پردازیم...

۱- ماهیت و هدف از تروریسم چیست؟ و چه پیشینه ای دارد؟

۲- آیا اساسا تاکنون در سطح ملی و بین المللی توانسته ایم به تعریف کامل و صحیحی از تروریسم، که مورد قبول همه دولتها باشد برسیم؟

۳- اشکال مختلف این پدیده چگونه بوده و مصادیق و روشهای انجام آن چه تحولاتی در طول تاریخ یافته است؟

۴- نظام جزایی حقوقی ایران و حقوق اسلامی در تقابل با تروریسم چه رویکردی دارد؟ آیا تعریف مدون و دقیقی وجود دارد؟ یا صرفا به

جرم انگاری موردی پرداخته است؟

در پاسخ به سوالات فوق و موضوع مورد پژوهش فرضیه هایی به شرح زیر ارائه میشود:

۱- ترور و تروریسم، متأثر از انگیزه های متفاوت قومی، مذهبی، نژادی وایدیولوژیکی هستند، نه صرفا دلایلی که قدرتهای برتر

برای کسب منافع بیان کرده و از آن استفاده ابزاری میکنند.

۲- بدلیل عدم توجه، پژوهش و مطالعات کافی، قوانین جزایی ایران به بررسی و جرم انگاری موردی جرایم تروریستی پرداخته

است، تا به ارایه تصویر و تعریفی شفاف و دقیق و کامل از اینگونه جرایم و یافتن چرایی و ریشه های این معضل.

۳- از شیوه های نوین برای ارتکاب این عمل مانند سایر تروریسم و تروریسم تبلیغاتی و تروریسم اطلاعاتی استفاده میشود که در گذشته

شاهد آن نبوده ایم.

## ب - اهداف و روش پایان نامه -

به دلیل ارتباط تنگاتنگ تروریسم با سیاست حفظ منافع هر کشوری تعریف خود را از تروریسم دارد و این اختلاف در آرایه یک تعریف واحد مانع برقراری تمهیدات موثر در مهار تروریسم میشود. سازمان ملل به نوبه خود تلاشهایی در این باب نموده است و برخی دولتها نیز یکجانبه قوانینی در مورد تعریف تروریسم و آیین دادرسی حاکم بر دستگیری و محاکمه و مجازات به تصویب رسانده اند، کشور مانیز به دلیل اهمیت این گونه جرائم در قانون مجازات اسلامی در باب ترور آن را به طور موردی محکوم نموده است.

در خصوص اهمیت و ارزش موضوع مورد پژوهش، میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

- افزایش روزافزون این پدیده نا بهنجار

- جهانی شدن مفاهیم و موضوعاتی که تا چندین سال پیش ماهیتی منطقه‌ای و مقطعی داشت...

- لزوم پرکردن خلانسی در مورد تروریسم در قوانین کیفری ایران...

- ترس همه مردم جهان از تبدیل شدن تروریسم در جهان به معضلی بین‌المللی.

پژوهش مورد نظر بر اساس ماهیت و روش، در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی و تبیینی میباشد. همچنین این پژوهش با بهره‌گیری

از روش کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است و در این راستا پژوهشگر از منابعی چون کتب، مقالات، فصلنامه‌های تخصصی، گزارش -

های پژوهشی، سایت‌ها و سیستمهای اطلاع‌رسانی رایانه‌ای مرتبط با موضوع مورد پژوهش، بهره‌جسته است.



## بخش اول: کلیات

### فصل اول: پیشینه تاریخی

در این فصل به بررسی پیشینه و سابقه تاریخی ترور در ایران و برخی کشورها میپردازیم.

### مبحث اول: سابقه ترور و تروریسم در ایران

از دیرباز پدیده ترور در این زادبوم وجود داشته و سابقه طولانی دارد. می توان از قدیمی ترین ترورها به قتل خسرو پرویز شاه ساسانی به دست درباریان به سال ۶۲۸ میلادی اشاره نمود. قتل و کشتار سیاسی مخالفان در دوران سامانیان، غزنویان، هخامنشیان، غوری ها و سلجوقیان نیز ادامه داشت و شاهان و امرای زیادی به ترور رقبای سیاسی و حتی نزدیکان و اقارب خویش دست زده اند، بطور مثال امیر احمد سامانی در سال ۳۰۱ هجری ترور شد. طی دوسال از ۳۸۷ الی ۳۹۰، نه پادشاه سامانی در اثر توطئه ها و دسایس درباریان هلاک شدند تا سرانجام سلسله آنان توسط سبکتگین منقرض گردید.

ریشه ترور سازمان یافته در ایران را باید در فعالیت های فرقه اسماعیلیه به رهبری حسن صباح در دوره سلجوقیان جست. حشاشیون یکی از شعب اسماعیلیه بودند که در سده یازدهم میلادی سر برآوردند و فقط مغول ها توانستند آنان را در سده یازدهم میلادی سرکوب کنند. آنان را به دلیل استفاده از ((حشیش)) یا ((چرس))، حشاشین نامیده اند. پایگاههای عمده این گروه در دژالموت و دژهای دیگر

در قومس و قهستان ایران کنونی بود، که شمار آنهارا تا ۱۵۰ دژ یا قلعه ذکر کرده اند و دژ الموت مرکز اصلی حسن صباح به ((آشیانه عقاب)) شهرت یافت.

فدائیان اسماعیلیه معارض دولت سلجوقی بودند. سلجوقیان در واقع از سوی دشمن امپراطور روم شرقی به شمار می رفتند و از سوی دیگر رقیب صلیبیون در شامات بودند و بدین دلیل این فرقه مورد توجه مقامات غربی بود. اسماعیلیه نقش مهمی در جنگ های صلیبی داشتند، زیرا هم خلفای عباسی و هم شاهزادگان سلجوقی و گاهی نیز امرای صلیبی را ترور می کردند و در واقع نقش متعادل کننده قدرت را داشتند<sup>۱</sup>. فدائیان اسماعیلی از این متود ها استفاده می کردند:

1- به مخفی کاری فوق العاده عملیات تروریستی اهمیت زیادی میدادند( خود رادربین مردم و شهر مخفی می ساختند و خود ها را به سیمای اهالی شهرها درمی آوردند).

۲- بیشترین قتل ها را با دشنه و خنجر انجام میدادند و کمتر از زهر یا تیروکمان و غیره استفاده می کردند.

۳- فرقه با انضباط و مذهبی بودند و به استقبال مرگ می رفتند و باور پابری جایی به آینده طلایی و بهشت موعود داشتند.

ماجرای قتل نظام الملک وزیر نامور سلجوقیان که در دوران وزارت خویش دستور سرکوبی اسماعیله ها را داده بود، شیوه کار حشاشین را به خوبی نمایان می سازد. حسن صباح پس از تلاش های دشوار و خطرناک مقدماتی، سرانجام در مقر کوهستانی خویش یعنی دژ الموت که نزدیک قزوین بود، استقرار یافته و دسته فدائیان اسماعیلی خویش را سر و سامان بخشید. ظاهرا نخستین ترور آنان در

<sup>۱</sup> علیرضا طیب، پیشین، ص ۴۴-۴۳

ایران قتل موذن ساویی در اصفهان بوده است که اسماعیلیان سعی داشتند او را به کیش خود در آورند، ولی با توجه به عدم موفقیت و بیم افشاء آن دست به قتل وی زدند.

فداییان اسماعیلی بعد ها حیطه فعالیت خویش را تا شام و حلب یعنی سوریه کنونی گسترش دادند و صاحب منصبان، والیان، خلفا و حتی آلب ارسلان سلجوقی، خواجه نظام الملک و دو پسرش را و کنت ریموند حاکم طرابلس و مارکی کنراد مانفرد پادشاه صلیبی اوشلیم را، به قتل رساندند ولی طی دوبار اقدام برای ترور صلاح الدین ایوبی موفق به قتل او نشدند، ظاهرا حسن صباح متوجه شده بود گروه تحت فرمان او بیش از آن کوچک است که بتواند در نبرد آشکار رویاروی دشمن قرار گیرد و شاید موثرترین حربه سیاسی به راه انداختن کارزار تروریستی سازمان یافته، سیستماتیک و طولانی مدت باشد که بوسیله نیرویی کوچک ولی قوی به اجراء می آید. منابع دوران ما حشایش را فرقه ای تقریبا زاهد توصیف کرده اند که به استقبال مرگ و شهادت می رفتند.

حشاشین برخی از ویژگی های گروههای تروریستی معاصر را دارند، مثلا انتخاب دقیق اعضا، شستشوی مغزی اعضای گروه، تعلیم و تربیت و نظم آهنین، شیوه اجرای ترور و انتخاب هدف. فداییان اسماعیلی تحت رهبری حسن صباح چندین ترورسیاسی دیگر رانیز مرتکب شدند که شامل ملک شاه سلجوقی، دو خلیفه عباسی (الراشد و المرشد) پنج وزیر به شمول نظام الملک، پانزده تن از قاضیان و مفتیان، دوازده نفر از فرماندهان بزرگ نظامی، یازده تن از والیان بزرگ، چندین تن زمینداران بزرگ و ثروتمندان و یک نفر خائن که از دژ الموت گریخته بود، شامل میشد که وحشت عظیمی در میان حاکمان و قدرتمندان و ثروتمندان زمانه پراکنده بود. دژالموت

و تشکیلات فدائیان اسماعیلی سرانجام توسط لشکریان مغول و شخص هلاکو حین لشکر کشی به سوی بغداد برچیده و منقرض گردید.

از منظر تاریخی، مبارزه تروریستی حشایش، تلاش بی ثمر یک فرقه نسبتاً کوچک مذهبی بود.<sup>۱</sup>

پس از دوره فدائیان اسماعیلی، تروریسم در زمان حکومت‌های بعدی مانند دوره استیلای مغول و اولادشان تیموریان و مغلان هند نیز یک

حربه رایج بوده است. قرنهای هجده و نوزده نیز دوره ترور، معیوب سازی و بخصوص کور کردن رقبای سیاسی و مدعیان تاج و تخت

در افغانستان و ایران بوده و بخصوص در دوره شاهان صفوی و قاجاری و شاهان متاخر افغانستان و در زمان امارت هوتکی ها و ابدالی ها

و اولاد تیمور، این شیوه های نا پسند و مذموم فوق العاده رواج داشته است. از ترور های مهم این دوره، ترور ناصرالدین شاه قاجار،

ترور امیرحیب الله خان، نادرشاه و ترورهای دوره هاشم خان را می توان نام برد. اگر چه در دوران بعد از آنها به ترورهای مثل قتل

نادرشاه در فتح آباد قوچان در ۱۱۶۰ قمری و قتل آقا محمد خان قاجار در شوشی در ۱۲۱۲ قمری بر می خوریم ولی باید آغاز پدیده

ترور سیاسی را در ایران معاصر، قتل ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی و به تحریک سید جمال الدین اسد آبادی در ۱۷

ذیقعده ۱۳۱۳ قمری در حرم عبدالعظیم دانست. در واقع او نخستین و آخرین پادشاهی بود که در تاریخ معاصر از طریق ترور و معنای

کامل کلمه از پای در آمد.

ریشه مبارزه مسلحانه برای تغییر رژیم سیاسی، اندیشه ای بود که در دوران انقلاب مشروطه ایران توسط انقلابیون و مجاهدان قفقازی از

جمله حیدر خان عمو اغلی (معروف به حیدرخان بمبی)<sup>۲</sup> وارد ایران شد. در آستانه مشروطه نیز ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر از اعضای حزب

<sup>۱</sup> برای اطلاعات بیشتر ر.ک.، لوپس برنارد، بنیادهای کیش اسماعیلیان، ترجمه اسماعیل سری، (نشر کتاب نمونه، تهران، چ ۱، بهار ۶۵)   
<sup>۲</sup> درباره حیدر عمو خان عمو اغلی، ر.ک. اسماعیل راستین، حیدر عمو خان عمو اغلی (نشر جاویدان، تهران، ۱۳۷۵)

سوسیال دموکرات قفقاز از جمله پیرم خان ۱ به ایران آمدند و وزیر کشی را در ایران باب کردند. در دوران احمد شاه نیز ترور ادامه داشت، از جمله در شب ۲۴ تیر ۱۲۸۹ شمسی (۹ رجب ۱۳۲۸ قمری) رجب سرابی حسین الله و علی اصغر از افراد حیدر عمو اوغلی، گویا برای منع از اخراج تقی زاده دموکرات از مجلس شورای ملی، آیت الله بهبهانی را از پای در آوردند و در مقابل ((اعتدالی ها)) نیز به انتقام در ۹ مرداد ۱۲۸۹ علی محمد خان تربیت از سران حزب دموکرات را در خیابان لاله زار تهران با سه گلوله به هلاکت رساندند.<sup>۳</sup>

در دوره های بعد در دوران پهلوی اول گروههای تروریستی از حرکت بازماندند ولی قتل شخصیتهای سیاسی همچنان ادامه داشت. در این دوره دولت هم گاه به از میان برداشتن مخالفان با توسل به ترور اقدام می کرد که می توان به ترور شاعر آزادی خواه و آزاد اندیش میرزا زاده عشقی همدانی، میرزا یحیی واعظ کرمانی معروف به محمد کیوان قزوینی مدیر روزنامه نصیحت قزوین در ۷ آبان ۱۳۰۴، جعفر قلی خان سردار اسعد بختیاری، سرهنگ محمود خان پولادین و .... اشاره کرد.

در آغاز کار حکومت محمد رضا شاه ترورهای با اهداف سیاسی و مذهبی بوسیله سید مجتبی میر لوحی معروف به نواب صفوی و به دست افرادی مثل حسن و حسین امامی، مظفر ذولقدر، خلیل طهماسبی، عبدالحسین واحدی و محمد مهدی عبد خدایی تحت پرچم جمعیت فدائیان اسلام انجام میشد. نخستین عملیات تروریستی این گروه ترور سیداحمد کسروی در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ شمسی به دست برادران امامی بود.<sup>۲</sup> سید حسن امامی پس از کسروی، عبدالحسین هژبر وزیر دربار وقت را در ۱۲ آبان ۱۳۲۸ ترور کرد که البته وی جان به در برد. اعضای جمعیت فدائیان اسلام در دوره ای مورد حمایت آیت الله کاشانی قرار داشتند و بعضی از ترورهای انجام شده به دست این گروه و به استناد فتاوی شرعی وی صورت گرفته بود.

<sup>۱</sup> پیرم خان را بدلیل ارمنی بودن بعد از فتح تهران به عنوان رییس نظمیه انتخاب کردند تا در اعدام روحانیون و سایرین منعی نداشته باشد. پیرم خان حاج شیخ فضل الله نوری را در میدان توپخانه به دار آویخت. دکتر علی بیگدلی، ترورهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران (نشر سروش، تهران ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱)، از مقدمه کتاب بخش گ  
<sup>۲</sup> اسماعیل راستین، پیشین، ص ۴۵

جمعیت مولفه اسلامی هم که به طرفداری از مرام فدائیان اسلام مشهور بود از دیگر سازمانهایی بود که به ترور گرایش داشت. در صبح روز اول بهمن ۱۳۴۳ محمد بخارایی از اعضای هیئت مولفه اسلامی با همکاری مرتضی نیک نژاد، رضا صفار هرنندی و حاج محمد صادق امامی، نخست وزیر وقت حسنعلی منصور را در مقابل مجلس شورای ملی ترور کرده و او را از پای در آوردند. سرانجام نواب وافرانش، در اول آذر ۱۳۳۴ دستگیر شدند. جرم آنها تلاش برای ترور حسین علاء نخست وزیر وقت بود<sup>۱</sup> و در نیمه شب ۲۷ دی همان سال، نواب صفوی، طهماسبی، ذولقدر برادران واحدی در برابر جوخه آتش قرار گرفتند.

از دیگر سوء قصدهای مشهوری که در دهه ۱۳۲۰ صورت گرفت و بی نتیجه ماند، سوء قصد با چاقو به جان سید حسن امامی امام جمعه به دست نبی الله اکبری در ۳۰ مرداد ۱۳۲۹ بود. در دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز ترور سرتیپ محمود افشار رئیس شهربانی دولت دکتر مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۲ از ترورهای معاصر است که این توطئه را ستاد شاپور علی رضا، برادر محمد رضا شاه با شرکت دکتر مظفر بقایی، سرلشگر زاهدی و ... عملی ساختند و بنا به اقرار توقیف شدگان قرار بوده دکتر فاطمی، تیمسار ریاحی رئیس ستاد ارتش، دکتر معظمی دکتر شایگان، مهندس زیرک زاده و تیمسار مهنا (معاون وزارت دفاع ملی) نیز دستگیر و به سرنوشت افشارطوس دچار شوند. و همچنین قرار بوده کابینه جدیدی مرکب از دکتر بقایی، سرتیپ مزینی رییس ستاد ارتش و سرتیپ دکتر منزله وزیر بهداشت و سرتیپ بایندر وزیر دفاع ملی تشکیل شود. موج جدید ترور در تاریخ ایران که نسبتاً بلندتر از موجهای پیشین بود پس از انقلاب به راه افتاد و طلایه دار آن گروهی موسوم به ((فرقان)) بود، که از جمله قربانیان این گروه سپهبد قرنی، آیت الله مطهری، حجه الاسلام مفتاح مهدی عراقی و فرزندش بودند. بعد از ختم این غایله تا مدتی این التهاب فروکش کرد تا اینکه پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و ورود سازمان مجاهدین خلق به فاز نظامی برخورد با جمهوری اسلامی، آتش تروریسم دوباره شعله ور شد. اعضای این سازمان علاوه بر عملیات

<sup>۱</sup> علی بیگدلی، پیشین، ص ۹۷  
 آهمان، ص ۸۷ و برای اطلاعات بیشتر، ر.ک، محمد ترکمان، اسنادی پیرامون توطئه ربودن و قتل سرلشگر افشار طوس (نشر رسا، تهران، ۱۳۶۳)

تروریستی که برضد مردم بیگناه و عادی انجام دادند، به جان چهره های شاخص نظام نیز سوء قصد هایی انجام دادند که از آن میان به مواردی چون ترور تنی چند از ائمه جمعه ، انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و قتل اعضای مجلس و انفجار بمب در ساختمان نخست وزیری و به شهادت رسیدن دکتر رجایی اشاره کرد.<sup>۱</sup> ترور دیگری که بعد از مدتها جامعه ایران را غافلگیر نمود، قتل دکتر کاظم سانی در سال ۱۳۶۷ در مطب خودش بود. جدای این موارد باید به ترور ایرانیان مقیم خارج از کشور هم اشاره نمود از جمله ترور تیمسار اویسی و برادرش در پاریس در سال ۱۹۸۴ ، ترور بیژن فاضلی فرزند یکی از فیلمسازان مخالف در اوت ۱۹۸۶ ، ترور مهندس محمد علی توکلی نبوی و فرزند او نورالدین نبوی در دوم اکتبر ۱۹۸۷ ، ترور دکتر قاسملو در ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۹ بر سر میز مذاکره با نمایندگان حکومت ایران در وین ، ترور دکتر کاظم رجوی در ژنو در سال ۱۹۹۰ ، ترور دکتر شاهپور بختیار در پاریس در سال ۱۹۹۹ و ترور دکتر صادق شرفکندی به همراه فتاح عبدلی ، همایون اردلان و نوری دهکردی در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در رستوران میکونوس در برلین .

و در آخرین موج ترور های صورت گرفته بعد از انقلاب که به دست عناصر خود سر در وزارت اطلاعات صورت گرفت، چند چهره فرهنگی و سیاسی مثل محمد جعفر پوینده ، محمد مختاری ، مجید شریف و دو تن از فعالان سیاسی یعنی داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری را به کام مرگ رفتند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> شرح ماجرای انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی در آدرس

[Http://terror-victims.com/main/index.php?Page=definition&UID=2521&Type=-6](http://terror-victims.com/main/index.php?Page=definition&UID=2521&Type=-6)

<sup>۲</sup> طیب، علیرضا، پیشین ، ۴۳ تا ۵۴

## مبحث دوم: سابقه ترور در خارج از ایران

تروریسم، تاکتیکی است که در طول تاریخ ضعفاً برای ترساندن اقویا و قویترها برای ارباب ضعفاً، از آن بهره جسته اند و پدیده ای است که قرن هاست که با ماست. تاریخ آکنده از اقدامات تروریستی است که جان بسیاری را گرفته یا زندگی آنها را به خطر انداخته است، افراد بشر را از حقوق و آزادیهای اساسی خود محروم ساخته، مناسبات دوستانه میان دولت ها را در معرض خطر قرار داده و تمامیت اراضی و امنیتی دولتها را به مخاطره افکنده است و به عبارتی تروریسم و توسل به انواع خشونت برای نیل به اهداف گذشته ای به درازای عمر بشریت دارد. قتل هابیل به دست قابیل را می توان اولین قدم خشونت بار جهت کسب منافع دنیوی دانست.

## گفتار اول: قبل از انقلاب کبیر فرانسه

نگاهی به تاریخ باستان نشان می دهد که از همان دوران ترور آخرین حربه مظلومین برای مقابله با حکام ستمگر بوده است. یکی از نخستین اقدامات ثبت شده تروریستی، منسوب به فیثاغورث ریاضی دان و فیلسوف مبارز یونانی در قرن ششم قبل از میلاد است که به دنبال مبارزه با طالبس رهبر جناح دموکرات و قبول شکست از آتن فرار کرده و در سیسیل در جنوب ایتالیا مقیم گردید. فیثاغورث با تشکیل گروههایی در جنگ های سیسیل و تعلیم خرابکاری به جوانان طرفدار خود، آنان را برای مقابله با دموکرات ها به آتن اعزام می کرد.<sup>۱</sup> ماجرای قتل سپارک، حکمران ستمگر آتن به دست هارمودیس و آریستوژن نیز نمونه ی دیگری از این وقایع است.<sup>۲</sup> سیسرون، حکیم رومی نیز با این اعتنا در کتاب خود به نام "اخلاق" کشتن ستمگران را موجه قلمداد کرده است.<sup>۳</sup> ترور های شخصی

<sup>۱</sup> دکتر علی بیگدلی، ترورهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران (انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۷، ج ۱، چ ۱) از مقدمه کتاب، بخش س  
<sup>۲</sup> آرنشثال ژو، ترور های تاریخ، ترجمه دکتر هادی خراسانی، (انتشارات برد، تهران، ۷۱)، ص ۲۷-۲۱

<sup>۳</sup> همان، ص ۱۵



همیشه با انگیزه های اخلاقی و اعتقادی همراه نبوده است، بلکه گاه مرتکبین ترور به هوی و هوس های دنیوی و مادی دست به ترور زده اند. حال به بررسی یکی از قدیمی ترین جنبش های تروریستی که به جنبش سیکاری<sup>۱</sup> معروف است میپردازیم.

سیکاری، یک فرقه بسیار سازمان یافته مذهبی مرکب از مردان مراتب پایین جامعه یهودیان فلسطین باستان بود که در مبارزه، مخالف سلطه روم در فلسطین (۷۳-۶۶ م) فعال بوده اند. سیکاری از تاکتیک های نا متعارفی چون حمله به دشمنان خود در روز روشن و ترجیحاً در روزهای تعطیل که انبوه مردم در اورشلیم گرد هم می آمدند، بهره می جستند. سلاح محبوب آنها خنجر یا دشنه کوتاهی به نام «سیکا» بود که آن را زیر جامه پنهان می کردند. آنان انبارهای غله را به آتش می کشیدند و در شبکه آبرسانی اورشلیم خرابکاری می کردند. سیکاری ها یک گروه افراطی ملت گرا بودند که با رومیان سر ستیز داشتند و قربانیان آنها نیز چه در فلسطین و چه در میان یهودیان مصر افرادی میانه رو بودند که عضو حزب صلح یهود به شمار می رفتند. بر اساس اصول اعتقادی سیکاری ها، تنها سرور آدمی خدای یگانه است و با هیچ قدرت زمینی نباید بیعت سیاسی کرد و نیازی به روحانیون به عنوان واسطه مردم و خدا نیست، بنابر این اعتقاد این گروه بر پایه مذهب، اخلاق و قوم گرایی استوار بود<sup>۲</sup>.

اروپای قرون وسطی نیز شاهد حوادث تروریستی بوده است. جدا از جنگهای داخلی در کشورهای مغرب زمین، قتل و ترور های سیاسی به عنوان راه آسان دستیابی به اهداف مورد نظر، ضایعات جبران ناپذیری به همراه داشته است. ترور اتیل مارسل در سال ۱۳۵۸ م، ترور دوک اورلتان و دوک بورگونی در سال ۱۳۹۱ م، ترور برخی از خاندان ودیسی در فلورانس در سال ۱۴۷۸ م، قتل فرزندان اردوان

<sup>۱</sup> sicari

<sup>۲</sup> Walter Laqueur, The age of Terrorism( Boston & Toronto, little Brown & Co. 1987) PP. 12-13

چهارم ، ترور دوک الکساندر ، دوک فلوراس به دست جوانی به نام لورتز باند و ترور هانری چهارم به دست فرانسوا راویاک و در نهایت ترور لویی پانزدهم به وسیله دامتین و بسیاری از حوادث دیگر تنها نمونه ای از جمله وقایع تروریستی قابل ذکر است. ۱

### گفتار دوم: پس از انقلاب کبیر فرانسه

همان گونه که دیدیم قتل و ترور دولتمردان سرشناس و توسل به خشونت تا قبل از انقلاب کبیر فرانسه، بیشتر ناشی از اصول اعتقادی مذهبی و مسائل اخلاقی و ظلم و ستم اقویا بر ضعفا بوده است. انقلاب کبیر فرانسه و خیزش آزادی خواهان ناشی از آن نقطه آغاز این دوره محسوب می شود. در این دوره اقدامات تروریستی مقوله کاملاً متفاوتی به شمار می رود. مردم فرانسه، خسته از تاریخ استبدادی طولانی ، بار دیگر در چنگ استبدادی مطلقه این بار به نام آزادی و حکومت مردم گرفتار می شوند. در این دوره انقلابیون فرانسه تروریسم دولتی را بهترین راه چاره برای مقابله با خطرات تهدید کننده انقلاب می دانستند. با تشکیل کنگره وین در قرن نوزدهم و سرکوب آمل وحدت طلبی ملت ها، ترور سراسر اروپا را فرا گرفت، جنبش کاربونی در ایتالیا، جنبش بورخوف شاف یا انجمن دانشجویان وحدت طلب آلمانی در دانشگاه ایه نا<sup>۲</sup> و جنبش دانشجویی یوگ-اسلاو برای کسب استقلال صربستان بزرگ به وجود آمدند، جنبش اخیر مسبب ترور ارشیدوک فرانسیس فردیناند ولیعهد اتریش به دست جوان متعصب صرب به نام گاوریلوپرین سیب در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ م شد که آتش جنگ جهانی اول را برافروخت. ۴

در ادامه ترور سیستماتیک در نیمه دوم قرن نوزدهم پا گرفت و تروریسم به عنوان یک نگرش سیاسی در کنار دیدگاه های دیگر مثل نیهلیسم و آنارشیزم قرار گرفت. زادگاه اصلی ترور سیستماتیک در روسیه قرن نوزدهم بود، زیرا جنبش های دانشجویی ضد استبدادی

<sup>۱</sup> دکتر علی بیگدلی ، پیشین ، از مقدمه، بخش ص. و برای اطلاعات بیشتر، ر.ک ترانسنال ژو ، همان ص ۱۰۲-۶۲

<sup>۲</sup> Iena

<sup>۳</sup> Princip

<sup>۴</sup> علیرضا طیب، پیشین ، ص ۳۰-۲۵

با انگیزه های سوسیالیستی و مارکسیستی یکی از نزدیکترین راه های رسیدن به مقصود سیاسی خود را ترور شخصیت های بلند پایه سیاسی می دانستند. در این میان جنبش روسی نارودنایولوا (یا اراده مردم) اهمیت به مراتب بیشتری داشت. فعالیت های این جنبش تنها از ژانویه ۱۸۷۸ تا مارس ۱۸۸۱ ادامه یافت و تنها در دو شهر مسکو و سن پترزبورگ، متمرکز بود. این جنبش نمونه تمام عیار یک ((سازمان تروریستی هوادار خشونت انقلابی)) بود و فلسفه اعضای آن، مبتنی بر ترور شخصی بود، در واقع عده بسیاری این جنبش ها را نمونه تمام عیار یک سازمان تروریستی هوادار خشونت انقلاب در دوران نو می دانند، چراکه اعضای آن برخلاف دیگر انواع انقلابیون، پردازنده و هوادار نوعی فلسفه ((ترور شخصی)) بودند. مردم گرایان روس خیلی زود به مرحله نظری رسیدند. افراطی ترین نظریه پرداز آنها سرژنچایف بود. ۱

از نظر نچانر<sup>۲</sup>، افراطی ترین نظریه پرداز فلسفه ترور شخصی و نویسنده کتاب «شرعیات انقلابی»، انسان انقلابی در جهان سیاسی و اجتماعی در جهان به اصطلاح تعلیم یافته وارد نمی شود، مگر با ایمان به ویران کردن کاملتر آن واگر نسبت به کسی ترحم نشان دهد دیگر انقلابی نیست، تمام افراد این جهان نا پاک باید به دو مقوله تقسیم شوند: نخست کسانی که باید فوراً اعدام شوند و دوم کسانی که موقتا اجازه داده می شود زنده بمانند تا با اعمالی غول آسا مردم را به قیام حتمی برانگیزند. ۳

در دهه ۱۹۸۰ تروریسم در شرق و غرب اروپا به آغاز شد، تروریسم ارمنی با سرکوبگری ترک ها در اروپا شرقی عمر کوتاهی داشت و با قتل عام ارمنه در جنگ جهانی اول خاتمه یافت. پس از سال ۱۹۱۸ عملیات تروریستی ارمنیان در خارج از ترکیه متمرکز شد و در قالب قتل برخی از رهبران ترک که در قتل عام ارمنه در جنگ جهانی اول نقش داشتند صورت گرفت. سومین موج تروریسم ارمنه در اواخر دهه ۱۹۸۰ پا گرفت و به قتل سفرای ترکیه در اتریش و فرانسه منجر شد و این سنت تروریستی تا امروز همچنان به شکل پراکنده

<sup>۱</sup>Walter laqueur, op cit, p.16

<sup>۲</sup>S.g.Nechaner

<sup>۳</sup> علیرضا طیب، پیشین، ص ۲۶-۲۵

وجود دارد. دهه ۱۸۸۰ تا دهه اول قرن بیستم، دوران سوء قصد‌ها به جان دولتمردان نامدار اروپا و آمریکا است. ترور گارفیلد و مک کینلی از روسای جمهور ایالات متحد آمریکا، کارنو رئیس جمهور فرانسه، آنتونیو کوناوس نخست وزیر اسپانیا، الیزابت (زیتا) (امپراتور ایتالیا و تلاش های ناموفق برای قتل بیسمارک (صدراعظم آلمان) و ویلهلم اول (امپراتور آلمان)، نمونه های بارزی از این دست است.

در سراسر قرن نوزدهم، اسپانیا هم شاهد خشونت های سیاسی به عنوان پدیده هایی رایج بوده است. پیدایش جنبش طبقه کارگر و اتحادیه کارگری تروریسم را به دنبال داشته است. در پایان قرن نوزدهم بار دیگر فعالیت های تروریستی جان دوباره ای می گیرد و حتی در جریان جنگ های داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۱۹۳۹) نقش قابل توجهی ایفا می کند. مبارزه جوئین گرو فدراسیون کارگری در شبه جزیره ایبریو ۲ فعالیت میکرد.

اصولاً تا جنگ جهانی اول تروریسم پدیده ای متعلق به گروه های چپ محسوب می شد، هر چند که سرشت فوق العاده ((فردگرایانه)) تروریسم با الگوی این ایدئولوژی کاملاً جوردر نمی آمد. در سال های پس از جنگ جهانی اول یعنی دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ فعالیت تروریستی، عمدتاً کارگروه های راستی و ملت گرا وجدایی طلبی بودند. گاه این گروه ها هم دستی راستی وهم جدایی طلب بودند، مانند اوستاشای ۳ کروات ها که در جهت استقلال از حمایت هر گروهی بهره می بردند. بزرگترین اقدام این سازمان ترور همزمان الکساندر کارا جویچ پادشاه یوگسلاوی و بارتر نخست وزیر فرانسه در جریان دیدار این دو، در آوریل ۱۹۳۴ در ماریسی بود. از آنجا

---

۱ Elizabeth (Zita)

۲ Iberian

۳ Ustasha